

بیلی کولینز با

نگاهی دقیق و ژرف به زندگی روزمره



در ۶۰ سالگی بیلی کولینز در نگاهی به شش کتاب شعر موفق خود آن‌ها را حاصل یک روز می‌خواند. ممکن بود او تحت عنوان «سرگرمی یک شاعر» و یا در «شعر خوانی» به عنوان بیننده‌ای بزرگ که به عجایب مشغول کننده زندگی می‌نگرد انتخاب شود در ماه چون این شاعر که محبوب‌ترین بود به عنوان شاعر کاندیدای جایزه معرفی شد. او به یقین درباره آنچه که مهم‌ترین کار خویش می‌داند کاملاً صریح است.

می‌گوید: «اینکه می‌بینم مردم با خواندن کار من دوباره به سوزی شعر برگشت داده شده اند بسیار بیشتر از این جایزه و آن جایزه مرا مسرور می‌کند. فکر می‌کنم مردم بسیاری آمادگی برگشت به سمت شعر را دارند. آنها در مدرسه شعر را تجربه کرده‌اند.

اما عشق آنها یا به وسیله معلمین بد، کور شده و یا بسیاری از آنها شعر را در حاشیه قرار داده‌اند. ولی من فکر می‌کنم نیازی اساسی، شاید نوعی حس معنوی ما را به سمت شعر می‌خواند.

شعرهای او غالباً نظریه‌های پیش‌بینی نشده و جدی را درباره‌ی یک روز زندگی آدمی خسته، قانون مدار و دارای خوش بینی نسبت به وقایع اطراف ارایه می‌دهد. کولینز در اثر جدیدش تنها خوانیدن در اطراف اتاق نمونه‌ای از کارهای پیشین خویش از کتاب‌های مسیبی که پاریس را متعجب کرد (۱۹۸۸)، «پرسش‌هایی درباره فرشتگان» (۱۹۹۱)، «هنر غرق شدن» (۱۹۹۵) «بیک نیک» و «رعد و برق» (۱۹۹۸) همراه با بیست شعر جدید ارایه می‌دهد. این کمک سخاوتمندانه ایست و «رندم هاوس» ناشر جدید او بعد از چاپ سه کتاب از او پیش از آنکه شاعر کاندیدای جایزه نامیده شود، کاملاً به هیجان آمده بود. کولینز می‌گوید: «من عقیده دارم که اگر به رقم فروش ناممکن ناشر توجه کنید خواهید فهمید که او بیشتر از هر شاعر زنده و یا هر کس دیگر بعد از «رابرت فراست» فروش داشته است.»

از نظر کولینز سه سال پیشین او به مشاخره بین دانشکده پتسبورگ و «رن دم هاوس» سپری شده و در این مدت هیچ کتاب دیگری از او منتشر نشده است. او می‌گوید که مجموعه کامل دیگری از شعرهایش آماده است و این احساس را دارد که بقیه کارهای ادبی او مانند یک سری هواپیماست که در اطراف فرودگاه در گردش و منتظر فرود می‌باشند.

بررسی یک نگاه دزدانه، همراه با حالتی فکاهی و پیچیده یکی از نشانه‌های اصلی کارهای او است. شعرهایی در مورد ضرب المثل‌ها، خواندن و نوشتن، همچنین رازهای خرد کردن جعفری، پخت و پز، آواز خوانی، بی‌خوابی، فرشته‌ها، سگ‌ها، فراموشی، مرگ، غم غربت، تاریخ، تصویر یک زن زیبا، درسهای پیانو، ماهیگیری، بیک نیک، کاتالوگ لباس‌های کتانی و سینما ارایه داده است.

می‌خندد و می‌گوید: «دانی شعر احساس این است که به چیزها بیشتر از آنچه که باید، توجه کنی یا چهار دست و پا به تپه مورچه‌ها یا چیزی شبیه آن نگاه کنی. در شعر من مثل این است که من به کسی نگاه می‌کنم که به پزندگان غذای دهد و در همان حال به مرگ فکر می‌کنم کیفیت ویژه‌ای است و در عین حال رفتن از مطلبی ادبی بسمت بعدی مجازی یا تخیلی است.

با شعر کولینز اول به آسانی می‌خندی اما مثل نوشته‌های مارک تواین مغزت به کار می‌افتد قبل از اینکه بفهمی فکرت مشغول کار است.

او می‌گوید: «یک شعر خوب مرا به خود مشغول می‌کند. استیفن دوینز شاعر و رمان‌نویس می‌گوید اگر در شعر خواننده را وادار کنی همان اول چیزی را قبول کند، آماده می‌شود که کمی بعد چیزی را که پیچیده‌تر و مرموزتر است بپذیرد و به زعم من شوخی راهی برای برقرار کردن سریع ارتباط انسانی و نقطه نظرهای معمولی است.

می‌گوید: «وقت زیادی گرفت تا توانستم اشعار را به

براین گستره کیست می‌گردد با دردی چنان سهمگین که حصار پیچیده بر آسمان ترک بر می‌دارد؟

شیر

آن هنگام، که شادای چون ابری فراگیر - پرتو ستارگان را می‌پوشد و گوساله‌ها و بره‌ها تلوتلو خوران - به راه می‌افتند، و هیجان زده شیر می‌نوشند

آن زمان که هیچ پرندۀ ای - اندیشه گزند ندارد، و از آوای خویش غرق در لذت سرم را چرخاندم - آه، چه دیدم، یاد را - یاد را که با شقاوت به چنگال داشت، موهای طلائی ذرتی زیبا را - و به جنگلی تاریک و متروکه می‌کشید ترجمه: ملک تاج طبرانی

شکننده

اگر که خون طغیان می‌کند وقتی، که گوشت و فولاد یکی می‌شوند و در سرخی غروب می‌خشکند باران فردا - لکه‌ها را چه نرم می‌شوید اما چیزی، تا همیشه بودن - در مژمان بجاست

شاید که قصد نهایی همین عمل باشد - بحث تمامی عمر را قطع کند و بگوید: که از شدت عمل و بی‌جرمتی هیچ چیز نصیب نمی‌شود و نمی‌تواند نصیب شود زیرا، آنها که در پای یک ستاره خشمگین زانیده می‌شوند به این دلیل است که مبادا فراموش شود - چه ترد و شکننده ایم یارانی، مدام و مدام - چون اشک - از چشم ستاره می‌بارد مدام و مدام می‌گوید: ما - چه ترد و شکننده ایم - ما چه ترد و شکننده ایم

باران، مدام و مدام - چون اشک - از چشم ستاره می‌بارد مدام و مدام می‌گوید: ترد و شکننده ایم، ترد و شکننده ایم ترد و شکننده ایم، ترد و شکننده ایم

ترجمه: ملک تاج طبرانی

صبح هنگام

و هنگامیکه ماه در نیمه شبی مه آلود بر سقف خانه سنگی ام سنگینی می‌کرد تمام دیوارها فرو ریختند و سقف سنگی کاسه‌ای سرگردان و تهی بر جام زمین شد

صبح هنگام وقتی که از میان خاکها بیدار شدیم بوی بهار از خانه همسایه می‌آمد هم سایه من، هم سایه ماه هر دو هنوز در میان خاکها بودند اما این بار من از سایه ام، جدا شدم شاید فردا خورشید از سوئی بتاید که دیگر سایه‌ای نداشته باشم شاید فردا روزی برسد که دیگر قصه‌ای نداشته باشم غصه‌ای نداشته باشم

BILLY COLLINS

فصلت

بر آن روشن که هر صبح سگ یوزتمه به سمت در خروج می‌رود بدون کلاه، بدون جت، بدون پول بدون کلیدی - برای کلیدی سگی اش و هرگز شکست نمی‌خورد که تعلیقی قلب مرا با تحسینی نرم بر کند، کدام کس دیگر مثال بهتری است که بی قیدتر و رهاتر از او باشد تختی در لانه‌اش - که پرده ندارد یک بشقابی - یک قاشقی؟ فقط گاندی، یا خوب دستی‌اش و لبان میرا و کهنه‌اش بی هیچ چیز به دنیای ماده قدم می‌نهد هیچ چیز - فقط کت قهوه‌ای‌اش و گردن بند آبی - و فرودنش پیش مرطوبش را چه دنبال می‌کند و یک جفت دروازه از نقش‌های پیوسته‌اش یا بر کلاهی به روی دهنش

هر روز اگر گریه را به سستی هول نمی‌داد و غذایش را تمام می‌کرد چه نمونه‌ای بود چه نمونه‌ای از خود بستگی بود چه نمونه‌ای از انقباض از این دنیا فقط اگر مشتاق نمی‌بود که مالش دهد پشت گوش هایش را و آن خوش آمده‌های آکروباتی را برای من آه آه فقط، اگر من - اگر من «خدای» او نمی‌بودم

شیره خود بنویسم و به این نتیجه برسم که چند خط اول شعر باید کاملاً واضح باشد و هیچ نوع پرستی ایجاد نکند. فکر نمی‌کنم کسی باشد که اولین بندهای شعرهای مرا بخواند و با خود بگوید «این بابا می‌خواهد چه بگوید» به همین دلیل نمی‌توانم شعری را بدون اینکه چند خط اول آن خوب باشد شروع کنم و به محض اینکه خطوط آغازین را بگویم بقیه شعر به فکر می‌رسد. بعد سعی می‌کنم که گوشم آماده شنیدن باشد و آهنگ شعر را دنبال کنم».

او سعی دارد سریع بنویسد و شعر را در یک نشست کامل کند و بعداً برای اصلاح آن رجوع کند. می‌گوید احساس باید چون یک عبارت خودبخودی باشد که به فکر می‌رسد. این طور نیست که شعری را شروع کنم و در وسط شعر بگویم خوب حالا یک ساندویچ ماهی تن بخورم و فردا شعر را کامل کنم. در این صورت شعر برای من می‌میرد و دوباره نمی‌توانم به آن مراجعه کنم. الهام از یک منبع وسیع می‌آید و بطور قطع می‌توانم بگویم که وائربراس، مری ملودیز، لونی تی یونز، از این طریق دیگران را تحت نفوذ خویش قرار داده‌اند و همچنین مثل اوید در Metamorphose سپس می‌گوید کارتون‌ها دنیای قابل انعطاف و سازگار می‌سازند به طوری که فکر می‌کنید می‌توانید یک ماشین چمن زنی را از جیب عقب شلوارتان بیرون بکشید حتی اگر اصلاً شلوازی به پا نداشته باشید و فقط پوست بدنتان باشد و ناگهان شکافی در روی آن ایجاد شود و از این شکاف بتوانید یک نازنجک دستی بیرون بکشید. این نوع جادوی ناگهانی - خراب شدنی و قابل تجدید همیشه در شعر بسیار الزامی است.»

کولینز در نیویورک بدنیا آمده و هنوز هم در نیویورک با همسرش دایانه اکولینز که معمار است زندگی می‌کند. بیشتر از سی سال است که شغل تدریس را در همین کالج عهده دار است. ولی کاری که بیشتر دم دستش است نوشتن شعر بیشتر و بیشتر می‌باشد. می‌گوید: «من برای نوشتن کتاب طرح ریزی نمی‌کنم. بلکه فقط شعر می‌نویسم آن هم یکی یکی. بی شباهت به یک رمان‌نویس که کتابش را برای ماه‌ها و سال‌ها پیش رو دارد، شاعر از سرخط شروع می‌کند و خطی بعد از خط دیگر می‌نویسد. من وقتی حس کنم که به اندازه کافی شعر نوشته‌ام آنها را روی هم انباشته می‌کنم که ببینم از آنها می‌توانم کتابی جور کنم».

ماهنامه ادبی «پروین» پر مخاطب ترین نشریه ادبی کشور

با توزیع سراسری آگهی می‌پذیرد

۳۱۸۱۳۲۸